



بررسی دیدگاه ابن تیمیه درباره شرک بودن ذبح برای غیر خدا

ابوذر فروتنی*

چکیده

ابن تیمیه با کج فهمی از ذبح‌هایی که توسط مسلمانان صورت می‌پذیرد، ایشان را متهم به ذبح لغیرالله می‌کند و با برچسب شرک، مسلمانان را از دایره اسلام خارج می‌کند. ابن تیمیه چون دلیل خاصی بر مدعای خود ندارد، سعی کرده با عبادت‌پنداری نفس ذبح و قیاس عملکرد مسلمانان بر مشرکین و بهره‌برداری از برخی آیات، ادعای خود را مستند کند. درحالی که نفس ذبح، چون فاقد ارکان عبادت است، عبادت شمرده نمی‌شود و حتی بر اساس تعریفی که ابن تیمیه از عبادت ارائه می‌دهد، نفس ذبح عبادت به‌شمار نمی‌رود. از سوی دیگر بین عملکرد مسلمانان و مشرکان تفاوت جوهری وجود دارد. از این رو تسری حکم مشرکان بر مسلمانان صحیح نیست. همچنین برداشت‌های وی از آیات قرآن کریم نه تنها صحیح نیست، بلکه تحمیل فهم بر آیات قرآن کریم است.

کلیدواژه‌ها: ابن تیمیه، ذبح لغیرالله، عبادت، شرک.

مقدمه

هر روزه میلیون‌ها حیوان به دلایل مختلفی در جوامع مسلمان در کشتارگاه‌ها، منازل و... ذبح می‌شود. گاهی نیز مسلمانان ذبح را در کنار مشاهد شریفه انجام می‌دهند، لکن وهابیان ذبح در این مکان‌ها را دستاویزی برای تکفیر مسلمانان قرار داده‌اند و با متهم کردن مسلمانان به «ذبح لغیرالله» آنان را از جرگه مسلمانی خارج دانسته‌اند.^۱ از آنجایی که آبشخور بسیاری از دیدگاه‌های تکفیری وهابیان، نظرات ابن تیمیه می‌باشد و اهمیت نظریات وی برای وهابیان^۲ و مخالفینشان (برای استفاده در جهت نقد وهابیت) بر کسی پوشیده نیست، ضرورت دارد، دیدگاه‌های ابن تیمیه در تمامی مسائلی که وهابیان، مسلمانان را به شرک متهم کرده‌اند به صورت مستقل بررسی شود. ازجمله این مسائل، موضوع ذبح لغیرالله است که تاکنون دیدگاه ابن تیمیه درباره این موضوع، به خوبی بررسی نشده است. به همین جهت برخی پنداشته‌اند وهابیان در مسئله ذبح، در تقابل با ابن تیمیه سخن گفته‌اند.^۳ نوشتار حاضر با درک اهمیت نظریات ابن تیمیه برای موافقین و مخالفین او، کاربردی بودن بحث ذبح لغیرالله و ادعای تقابل دیدگاه وهابیت با ابن تیمیه به بیان و نقد دیدگاه ابن تیمیه درباره ذبح لغیرالله می‌پردازد و سعی دارد بر اساس اصول مسلم و گفتارهای خود ابن تیمیه، دیدگاه او را واکاوی نماید.

محل نزاع در ذبح لغیرالله

ذَبْح (به فتح ذال) در لغت مصدر «ذَبَحَ يَذْبَحُ ذَبْحًا» می‌باشد و به معنای سربریدن است؛ اما در اصطلاح این لفظ بیشتر در سربریدن حیوانات به کار می‌رود و در عرف، وقتی سر حیوان از گلو (زیر چانه) بریده شود، می‌گویند حیوان ذبح شد؛ اما ذَبْح (به کسر ذال) به

۱. بن عثیمین می‌نویسد: «ذبح برای غیر خدا شرک اکبر است پس هر کس برای غیر خدا ذبح کند مشرک بوده و از دین می‌شود». (بن عثیمین، محمد بن صالح، فتاویٰ اُرکان الإسلام، ص ۱۴۷).

۲. برخی معتقدند وهابیون نظر هیچ کسی را جز ابن تیمیه قبول ندارند و قول او را بر گفتار هر دانشمند دیگری مقدم می‌دارند. (نک: تمیمی، ابوالفداء اسماعیل بن محمد، المنج الإلهیة فی طمس الضلالة الوهابیة، ص ۲۳).

۳. سلیمان بن محمد بن عبدالوهاب بیان می‌دارد که ابن تیمیه بر خلاف محمد بن عبدالوهاب ذبح لغیرالله را شرک اصغر دانسته است. (نک: سلیمان بن عبد الوهاب، الصواعق الإلهیة فی الرد علی الوهابیة، ص ۴۵-۴۴).

حیوانی گفته می‌شود که با این شیوه، کشته شده یا برای کشتن آماده شده است.^۱ آنچه اهمیت دارد این است که بدانیم، مقصود وهابیان و مخالفین از «ذبح لغیرالله» ذبحی است که برای تقرب و عبادت به غیر خداوند متعال، صورت می‌گیرد.^۲

ذبح به این معنا (ذبح برای تقرب به غیر خداوند متعال) از نظر همه مسلمانان، شرک بوده و هیچ یک از مسلمانان در این امر، شک و تردیدی ندارد. مرحوم کاشف الغطاء در نامه‌ای به عبدالعزیز می‌نویسد:

هیچ یک از مسلمانان شکی ندارند که اگر حیوانی به قصد عبادت غیرالله ذبح شود، آن گونه که بت‌پرستان برای بت‌های خود قربانی می‌کردند و نام آن بت‌ها را هنگام قربانی کردن بر زبان می‌آوردند. چنین عملی عبادت غیر خدا و قطعاً چنین فردی از دایره اسلام خارج است.^۳

نووی، عالم مشهور اهل سنت نیز در این باره می‌نویسد:

فَمَنْ ذَبَحَ لِغَيْرِهِ مِنْ حَيَوَانٍ.. عَلَى وَجْهِ التَّعْظِيمِ وَالْعِبَادَةِ، لَمْ تَحِلَّ ذَبْحَتُهُ، وَكَانَ فِعْلُهُ كُفْرًا؛ هر کسی که برای غیر خدا حیوانی را ذبح کند و هدف آن تعظیم و عبادت باشد، ذبیحه آن حلال نیست و چنین کاری کفر است؛^۴ بنابراین همه مسلمانان ذبحی را که برای تقرب و عبادت غیر خدا انجام می‌شود، شرک می‌دانند.

لکن اختلافی که در این بحث وجود دارد، مربوط به برخی از مصادیق خارجی ذبح است که توسط مسلمانان صورت می‌پذیرد. به عنوان نمونه مشاهده می‌شود مسلمانان، حیوانات را در کنار مشاهد اولیا ذبح می‌کنند یا می‌گویند «ذبحت للنبی» این حیوان را برای پیامبر ﷺ ذبح کردم. ابن تیمیه و پیروان او نمونه‌های مذکور را از مصادیق ذبح لغیرالله می‌دانند و حکم به شرک بودن چنین ذبح‌هایی می‌کنند. در مقابل، سایر مسلمانان

۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۳، ص ۲۰۲؛ ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۲، ص ۴۳۶؛ واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۴، ص ۳۸؛ ابوالحسنین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۳۶۹.

۲. نک: بن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۹، ص ۲۰۶.

۳. «لا يشك أحد من المسلمين في أن من ذبح لغير الله ذبح العبادة (كما يذبح أهل الأصنام لأصنامهم حتى يذكروا على الذبائح أسماءهم، ويهلون بها لغير الله) خارج عن رتبة المسلمين، سواء اعتقدوا ألهيّتهم، أو قصدوا أن يقربوهم زلفى، لأن ذلك من عبادة غير الله تعالى». (کاشف الغطاء، جعفر، منهج الرشاد لمن أراد السداد، ص ۵۷).

۴. نووی، یحیی بن شرف، روضة الطالبین وعمدة المفتین، ج ۳، ص ۲۰۵.

این ذبح‌ها را مصداق ذبح لغیرالله نمی‌دانند؛ بنابراین اختلاف در بحث ذبح لغیرالله یک اختلاف ماهوی و واقعی نیست، بلکه اختلاف در برخی از مصادیق است.

قبل از پرداختن به دیدگاه ابن تیمیه، ذکر دو نکته لازم است: اول اینکه بین ذبح و قربانی تفاوت وجود دارد. (درحقیقت، قربانی به ذبحی اطلاق می‌شود که برای نزدیکی و تقرب به خداوند متعال صورت می‌گیرد. به بیان دیگر، ذبح برای خدا، قربانی نام دارد). دیگر آنکه بین ذبح و مصرف ذبح تفاوت وجود دارد و آنچه مورد بحث قرار دارد نفس ذبح است؛ یعنی مدعا آن است که نفس ذبح‌هایی که از سوی مسلمانان واقع می‌شود، عبادت غیر خداست، هر چند که گوشت حیوانات ذبح‌شده را در مصارفی صحیحی همچون اطعام فقرا به مصرف برسانند؛ بنابراین اختلاف در این است آیا نفس ذبح‌هایی که از سوی مسلمان واقع می‌شود مصداق ذبح لغیرالله است یا خیر؟ که در ادامه دیدگاه ابن تیمیه درباره این مسئله بیان می‌شود.

دیدگاه ابن تیمیه درباره ذبح لغیرالله

ذبح برای غیر خدا و ذبح با نام غیر خدا هر دو از دیدگاه ابن تیمیه شرک محسوب می‌شود. وی در این باره می‌نویسد:

اگر مسلمانی برای غیر خدا ذبحی انجام دهد یا هنگام ذبح، نام غیر خدا را ببرد با این عمل خود کافر می‌شود به سبب اینکه ذبح لغیرالله و ذبح با نام غیر خدا از شیوه و دین انبیا نیست.^۱ چنین ذبحی شرک اکبر و موجب خروج از دین است.^۲

بنابراین از نظر ابن تیمیه ذبح لغیرالله و ذبح با نام غیر خدا هر دو شرک اکبر و موجب خروج از دایره اسلام است.

۱. ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۲۵۶.

۲. «فکل من غلا فی حی؛ أو فی رجل صالح کمثل علی - رضی الله عنه ... وجعل فیہ نوعا من الإلهیة مثل أن.. یقول إذا شاة: باسم سیدی... أو یدعوه من دون الله تعالی؛.. أو نحو هذه الأقوال والأفعال؛ التي هی من خصائص الربوبیة التي لا تصلح إلا لله تعالی فکل هذا شرك وضلال یستتاب صاحبه فإن تاب وإلا قتل». (ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۳، ص ۳۹۵).

۳. همان گونه که ذکر شد ابن تیمیه ذبح با نام غیر خدا را شرک اکبر می‌داند و از طرفی دیگر نیز حکم ذبح با نام غیر خدا را به طریق اولی بر ذبح لغیرالله جاری می‌داند. (نک: ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۲۵۹)؛ بنابراین از نظر ابن تیمیه ذبح لغیرالله و ذبح با نام غیر خدا هر دو شرک اکبر است.

ابن تیمیه ذبح‌هایی را که از سوی مسلمانان انجام می‌شود- مصادیق مورد اختلاف- ذبح لغیرالله می‌پندارد و می‌نویسد: «ذبح در کنار بقعه خاص، نشان می‌دهد که ذبح برای غیر خدا صورت گرفته است».^۱ وی همچنین بیان می‌کند یکی از مصادیق ذبح لغیرالله این است که گفته شود این ذبیحه برای فلانی است. هر چند در هنگام ذبح نام خدا را بر زبان جاری کند. همان‌گونه که برخی از منافقین این امت انجام می‌دهند و با ذبح به اولیای خود تقرب می‌جویند؛^۲ بنابراین از نظر ابن تیمیه مسلمانان چون در کنار بقعه‌ها ذبح انجام می‌دهند و می‌گویند این ذبح مثلاً برای پیامبر ﷺ است مشرک هستند و از دین خارج می‌شوند.

ادله ابن تیمیه بر شرک بودن ذبح لغیرالله

بررسی و پالایش سخنان ابن تیمیه نشان از آن دارد که وی هیچ دلیلی که به صراحت، شرک بودن ذبح لغیرالله- مصادیق مورد اختلاف- را بیان کند در اختیار ندارد به همین جهت سعی نموده با تمسک به کلیات ادعای خود را ثابت نماید. یکی از این ادله، عبادت‌پنداری هر ذبحی است. دیگری قیاس عملکرد مسلمانان بر مشرکان است و سرانجام تمسک به برخی از آیات است که در ادامه هر یک از این موارد، بررسی و نقد خواهد شد.

دلیل اول: عبادت‌بودن هر ذبحی

یکی از مهم‌ترین ادله ابن تیمیه بر شرک بودن ذبح‌های مسلمانان آن است که وی هر ذبحی را عبادت می‌پندارد و در موارد متعددی به آن تصریح می‌کند. وی می‌نویسد: «الذبح عبادة في نفسه. ذبح به خودی خود عبادت است»^۳ یا اینکه: «نفس الذبح عبادة بدنية؛ خود ذبح، عبادت بدنی است».^۴ وی همچنین ذبح را هم‌تراز حج به عنوان عبادت

۱. «الذبح في البقعة لا تأثير له إلا من جهة الذبح لغیر الله». (ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۲۵۵).

۲. نک: ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۲۵۹.

۳. ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۲۶۱.

۴. همان.

معرفی می‌کند.^۱ دلیل ابن تیمیه بر عبادت بودن هر ذبحی آن است که ذبح مشتمل بر حب و ذل می‌باشد.^۲ از سوی دیگر همان گونه که بیان شد، ابن تیمیه ظاهر عمل و گفتار مسلمانان را دلیل بر تقرب به اولیا می‌داند. در نتیجه خلاصه استدلال ابن تیمیه چنین است که مسلمانان با ذبح عبادات غیرالله انجام می‌دهند و چون عبادت غیرالله، شرک اکبر است، پس مسلمانان به واسطه این ذبایح از دین خارج می‌شوند.

نقد دلیل اول

این دلیل در حقیقت یک قیاس منطقی است که از دو مقدمه تشکیل شده است. ابن تیمیه در مقدمه اول هر ذبحی را عبادت می‌پندارد و در مقدمه دیگر ذبح‌های مسلمانان را مصداق ذبح لغیرالله می‌داند و از این دو مقدمه نتیجه می‌گیرد ذبح‌های مسلمانان عبادت غیر خداست؛ بنابراین دو مقدمه مذکور، پایه و اساس سخنان ابن تیمیه در دلیل اول است که هر یک از این دو مقدمه به صورت جداگانه بررسی می‌شود.

نقد مقدمه اول: عدم عبادت بودن هر ذبحی

عبادت‌پنداری هر نوع ذبحی از سوی ابن تیمیه، حداقل با دو اشکال اساسی روبه‌رو است. یکی اینکه بسیاری از مصادیق ذبح، قطعاً عبادت شمرده نمی‌شوند. دیگر آنکه عبادت‌پنداری هر ذبحی با مبانی ابن تیمیه در بحث عبادت، سازگاری ندارد که در ادامه به اشکالات ذکر شده پرداخته می‌شود.

۱. مواجهه با نقض یا تخصیص اکثر

هر روزه میلیون‌ها ذبح در سراسر جوامع اسلامی برای تأمین مصارف مورد نیاز جامعه صورت می‌گیرد. در صورتی که اگر هر ذبحی عبادت باشد، باید همه کسانی که با این اهداف، ذبحی را انجام می‌دهند مشرک باشند. درحالی که هیچ یک از مسلمانان، این نوع ذبح‌ها را عبادت و شرک لغیرالله ندانسته‌اند.^۳ بن‌عشیمین، عالم سرشناس وهابی نیز ذبح-

۱. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۲۷، ص ۳۶۸.

۲. همان، ج ۱۷، ص ۴۸۴.

۳. این نقد را نیز می‌توان این گونه تقریر کرد که دلیل ابن تیمیه اعم از مدعاست و مواردی را دربر می‌گیرد (ذبح برای تأمین گوشت) که هیچ یک از مسلمانان حتی خود ابن تیمیه آن را شرک نمی‌دانند.

هایی را که با هدف تأمین گوشت صورت می‌گیرد، عبادت نمی‌داند و از لحاظ فقهی نیز این نوع ذبح‌ها را مباح می‌داند.^۱ در این باره روایتی از رسول خدا ﷺ در مجامع معتبر روایی وجود دارد که نشان می‌دهد، ذبح اگر برای خانواده صورت بگیرد، (بدون اینکه نیت تقرب به خداوند داشته باشد) عبادت نیست؛^۲ بنابراین بیشترین مصادیق ذبح، عبادت محسوب نمی‌شوند و اگر گفته شود مطلق ذبح عبادت است باید همه کسانی که برای گوشت مورد نیاز جامعه ذبح می‌کنند مشرک باشند و این مورد پذیرش هیچ مسلمانی نیست.

۲. عدم عبادت بودن مطلق ذبح بنا بر معیارهای ابن تیمیه

ابن تیمیه دو رکن «نهایت حب» و «نهایت خضوع» را جزء عناصر کلیدی تحقق مفهوم عبادت می‌داند و بر این باور است اگر در چیزی یکی از این دو عنصر وجود نداشته باشد آن عمل عبادت محسوب نمی‌شود.^۳ از آنجایی که ذبح به‌خودی‌خود مشتمل بر خضوع و خشوع نیست، (اگر ذبح به‌خودی‌خود مشتمل بر خضوع و خشوع بود همه مصادیق آن این دو عنصر را داشت و ذبح‌هایی که برای تأمین گوشت صورت می‌گیرد، عبادت محسوب می‌شد درحالی که هیچ مسلمانی این ذبح‌ها را عبادت نمی‌داند.) فاقد معیارهای عبادت از نظر ابن تیمیه است و عبادت محسوب نمی‌شود.

۳. عدم وجود ارکان عبادت در ذبایح مسلمانان

در اشکال قبل بیان شد بر اساس معیار مورد قبول ابن تیمیه در بحث عبادت، هر ذبحی عبادت نیست؛ اما از آنجایی که معیارهای ابن تیمیه در بحث عبادت مورد قبول نیست، بر اساس معیارهای صحیح در بحث عبادت - قصد عبادت و اعتقاد به الوهیت - دیدگاه ابن تیمیه نقد می‌شود.

الف: عدم قصد عبادت از ذبح

ابن تیمیه معتقد است چون ذبح، مشتمل بر نهایت حب و ذل است، عبادت محسوب می‌-

۱. بن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل العثیمین، ج ۷، ص ۲۸.

۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۱۰۹.

۳. نک: ابن تیمیه، احمد، التحفة العراقية، ص ۴۴؛ ابن تیمیه، احمد بن عبد الحليم، أمراض القلب وشفاؤها، ص ۴۴.

شود.^۱ این سخن ابن تیمیه در حقیقت تطبیق ذبح بر تعریف عبادت از دیدگاه خود اوست که می‌پندارد خضوع و خشوع موجود در نفس ذبح دلیل بر عبادی بودن ذبح‌های مسلمانان است. درحالی که برای عبادی بودن یک فعل لازم نیست در نفس عمل خضوع باشد به جهت آنکه برخی از اعمال مثل وضو، غسل، زکات و... با اینکه خضوع و خشوعی در خود این افعال نهفته نیست؛ اما عبادی بودن آنان محرز است و شکی در عبادی بودنشان وجود ندارد. از طرفی دیگر برخی از اعمال مثل سجده با اینکه نمایانگر خضوع و خشوع هستند؛ اما ذاتا عبادت نیستند به جهت آنکه بر اساس تصریح قرآن حضرت یعقوب علیه السلام بر حضرت یوسف علیه السلام سجده کرد یا اینکه بسیاری از فرزندان نسبت به والدین خود خشوع دارند؛ اما هیچ مسلمانی سجده حضرت یعقوب بر یوسف و خضوع فرزندان در مقابل والدین را عبادت ندانسته‌اند؛ بنابراین وجود خضوع و خشوع در نفس عمل دلیل بر عبادی بودن آن عمل نیست، بلکه این خضوع را در جایی دیگر باید جست‌وجو کرد و آن در نفس عابد است یعنی خضوعی که عابد در انجام عمل از خود نشان می‌دهد و به واسطه آن قصد تقرب و جلب نظر «اله» مورد نظر خود را دارد در عبادت بودن اعمال نقش دارد.^۲ این مسئله به خوبی از روایت «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»^۳ به دست می‌آید که اگر در عمل قصد عبادت نباشد آن عمل عبادت محسوب نمی‌شود؛ بنابراین حتی اگر در نفس ذبح خضوعی باشد (که نیست) دلیلی بر عبادی بودن ذبح نمی‌باشد، بلکه ذبح در صورتی عبادت است که ذابح (کسی که حیوان را ذبح می‌کند) با عمل خود قصد تقرب به اولیا و جلب نظر او را داشته باشد. در حالی که هیچ یک از مسلمانان با نفس ذبح قصد تقرب به اولیا و جلب نظر آنان را ندارند. بلکه همان گونه که بیان شد مسلمانان ذبح با قصد عبادت و تقرب به غیر خدا را شرک و موجب خروج از دین می‌دانند.^۴

۱. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۱۷، ص ۴۸۴.

۲. نک: قاضی زاده، حسین، «ارکان و مقومات مفهوم عبادت»، سراج منیر، تابستان ۱۳۹۳، ش ۱۴، ص ۱۳۴-۱۰۹.

۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳.

۴. خلاصه این دلیل مطلب را می‌توان این گونه تقریر کرد: ابن تیمیه انجام یک عمل عبادی را عبادت می‌پندارد درحالی که صرف انجام عمل عبادی، عبادت نیست، بلکه برای عبادت بودن یک عمل، افزون بر عبادی بودن آن قصد عبادت- همان تقرب و جلب رضایت- نیز لازم است. این در حالی است که نه ذبح فی نفسه یک عمل عبادی است و نه مسلمانان در انجام

ب: عدم اعتقاد بر الوهیت اولیا

یکی دیگر از اموری که در عبادت بودن یک فعل لازم است، اعتقاد به الوهیت کسی است که فعل برای آن انجام می شود (مفهوم اله، مفهوم وسیعی است که تمامی شئون الهی از جمله ربوبیت و خالقیت را دربر می گیرد) و این مسئله به خوبی از آیات قرآن قابل استفاده است. از جمله آیاتی که بر این مسئله دلالت دارند آیاتی است که نشان می دهد مشرکان معبودهای خود را اله و در عرض خداوند متعال می دانستند. به عنوان نمونه ﴿وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾؛ و [یاد کن] هنگامی که خداوند فرمود: ای عیسی پسر مریم، آیا تو به مردم گفتی: من و مادرم را همچون دو خدا به جای خداوند بپرستند؟!^۱ یا آیات ﴿تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾؛ ﴿إِذْ نُسَوِّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾؛ سوگند به خدای که ما در گمراهی آشکاری بودیم، آنگاه که شما را با پروردگار جهانیان مساوی می کردیم^۲ در تمامی این آیات به خوبی روشن است که مشرکان، معبودهای خود را اله و در عرض خداوند قلمداد می کردند و به همین نیت به پرستش و عبادت آنان روی می آوردند و از آنجایی که خداوند، اعمال مشرکان را عبادت بت ها معرفی کرده است، نشان می دهد اله حقیقی بودن مراد نیست، بلکه اگر فرد اعتقاد به الوهیت آنان داشته باشد کفایت می کند؛^۳ بنابراین چون مسلمانان، اعتقادی به الوهیت پیامبر ﷺ و اولیا ندارند، ذبح در کنار مراقد آنان، عبادت اولیا محسوب نمی شود.

نقد مقدمه دوم: ذبح برای خدا

آن گونه که بیان شد ابن تیمیه برای اثبات مقدمه دوم (ذبح های مسلمانان ذبح لغیرالله است) به دو امر تمسک کرده است. یکی اینکه ذبح در مشاهد، حاکی از قصد مسلمانان است و دیگر اینکه مسلمانان در سخنان خود می گویند: «ذبحت للفلانی» این حیوان را

→ آن قصد عبادت غیر خدا دارند.

۱. مائده، ۱۱۶.

۲. شعراء، ۹۸-۹۷.

۳. نک: قاضی زاده، حسین، «ارکان و مقومات مفهوم عبادت»، سراج منیر، تابستان ۱۳۹۳، ش ۱۴، ص ۱۳۴-۱۰۹.

برای فلانی ذبح کردم. این دو دلیلی که ابن تیمیه بر آن استشهاد کرده است درحقیقت دو مدعا هستند نه دو دلیلی که ثابت کنند مسلمانان با ذبح، عبادت اولیا و انبیا را انجام می‌دهند. بر اساس شیوه ابن تیمیه در نقد مخالفین خود، همین مقدار که دلیلی بر این دو مدعای خود اقامه نکرده است قابل پذیرش نیست و بطلان آن آشکار می‌گردد^۱ با این حال هر دو نکته مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. عدم دلالت ذبح در کنار مشاهد بر تقرب به اولیا

سخن ابن تیمیه در این مورد، مغالطه و فریبکاری است و ذبح در کنار مشاهد شریفه به هیچ عنوان دلالتی بر قصد فرد ندارد و نشان نمی‌دهد ذبح برای تقرب به صاحب بقعه صورت گرفته است به جهت اینکه اولاً قصد یک امر درونی است و ابن تیمیه نیز می‌گوید «الَّتِيَّةُ وَالْقَصْدُ هُمَا عَمَلُ الْقَلْبِ»^۲ و جزء عالم به اسرار، کسی از آن اطلاع ندارد و چنین ادعای رجم به غیب است و از کسی پذیرفته نیست همان‌گونه که پیامبر ﷺ از اسامه نپذیرفت و در سرزنش او فرمود «أَفَلَا شَقَّقْتَ عَنْ قَلْبِهِ حَتَّى تَعْلَمَ أَقَالَهَا أَمْ لَا»؛ مگر تو قلبش را شکافتی تا بدانی که راست می‌گوید یا خیر.^۳ بنابراین با صرف اینکه در کنار مقابر ذبحی را انجام می‌دهند نمی‌توان گفت هدف آنان عبادت غیر خداست مگر آنکه قلبشان شکافته شود و از نیت درویشان آگاه شد.

۲. عدم دلالت «ذبحت لكذا» بر تقرب

مدعای ابن تیمیه در این بخش آن است که «ذبحت للنبي» نشان می‌دهد، قصد مسلمانان تقرب به اولیا است، پایه این مدعا آن است که لام در «ذبحت للنبي» لام تقرب باشد.

ابن تیمیه در حالی چنین پنداشته که اولاً: بر اساس روایات، اصل و اساس در اعمال نیت است و خود ابن تیمیه نیز معترف است، سخنانی که هنگام ذبح بر زبان آورده می‌-

۱. در این مسئله می‌توان به منهاج السنه رجوع کرد وی بارها در نقد علامه حلی^{رحمته الله} می‌گوید چون علامه، دلیلی برای سخن خود نیاورده است، کلامش باطل بوده و قابل پذیرش نیست.

۲. نیت و قصد از اعمال باطنی و درونی است. (ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۱۷، ص ۴۶۸).

۳. نیشابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۶.

شود، چندان اهمیتی ندارد بلکه اصل و اساس قصد است.^۱ و قصد مسلمانان نیز تقرب و عبادت به اولیا نیست، بلکه نیت مسلمانان تقرب به خداوند متعال است. ثانیاً: اشتباه دیگر ابن تیمیه آن است که لام در «ذبح للنبی» را لام تقرب دانسته. درحالی که این لام، لام انتفاع است و تنها جهت انتفاع و استفاده را مشخص می‌کند.^۲ در قرآن نیز مواردی وجود دارد که لام برای تعیین جهت انتفاع آمده است. به عنوان نمونه لام در آیه ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ﴾؛ همانا صدقات برای فقرا و مساکین هستند.^۳ لام انتفاع است و بیان می‌کند نفع صدقات باید به فقرا برسد نه اینکه صدقه برای تقرب و عبادت فقرا باشد.

علاوه بر آیات، سخنان صحابه نیز نشان می‌دهد، لام برای بیان جهت انتفاع است خصوصاً اینکه برخی از صحابه نیز همین گونه سخن گفته‌اند ابوهریره می‌گوید: «ذَبَحْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ شاةً؛ برای پیامبر ﷺ گوسفندی ذبح کردم».^۴ همچنین ابورافع یکی دیگر از صحابه نیز همین سخن را دارد.^۵ این دو صحابه، گوسفندی را ذبح کردند تا پیامبر ﷺ از گوشت آن استفاده کنند؛ یعنی لامی که در عبارت صحابه به کار رفته است، لام انتفاع است.

از سوی دیگر این روایات، کاملاً بر محل بحث منطبق است؛ یعنی فعل و گفتار صحابه و مسلمانان یکسان است^۶ بنابراین اگر ذبح مسلمانان برای تقرب به غیر خدا است ذبح صحابه نیز برای تقرب به غیرالله بوده است در حالی حتی ابن تیمیه نیز بر چنین امری ملتزم نیست. درنتیجه همان گونه که قصد و هدف صحابه تقرب به پیامبر ﷺ نبوده، بلکه هدفشان انتفاع و استفاده پیامبر ﷺ از گوشت این حیوان ذبح شده است مقصود و

۱. «و معلوم أن ما حرم أن تجعل غیر الله مسمى فذلك منویا إذ هذا مثل النیات فی العبادات فإن اللفظ بها وإن كان أبلغ لكن الأصل القصد لا ترى أن المتقرب بالهدایا والضحایا سواء قال أذبحه لله أو سكت فإن العبرة بالنية». (ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۲۵۵).

۲. تیمی، ابوالفداء اسماعیل بن محمد، المنح الإلهیة فی طمس الضلالة الوهابیة، ص ۵۳.

۳. توبه، ۶۰.

۴. نسائی، احمد بن شعيب، السنن الکبری، ج ۴، ص ۱۵۴.

۵. شببانی، احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، ج ۳۹، ص ۲۹۶.

۶. یعنی فعل صحابه و مسلمانان هر دو ذبح است و عبارت صحابه و مسلمانان نیز «ذَبَحْتُ لِرسول الله» است.

مراد مسلمانان نیز آن است که پیامبر ﷺ و اولیا ثواب و بهره‌ای از این ذبح ببرند؛ یعنی مسلمانان با این جمله خود می‌گویند این ذبح صدقه‌ای از جانب پیامبر ﷺ است و صدقه از جانب پیامبر ﷺ و اولیا اشکالی ندارد.

نکته قابل ذکر این است که هر چند ابن تیمیه صدقه از طرف میت را قبول دارد؛^۱ اما معتقد است ذبح در کنار قبور حتی اگر به عنوان صدقه باشد اشکال دارد به سبب آنکه پیامبر ﷺ از ذبح نزد قبرها نهی کرده است.^۲

اصل روایتی^۳ که ابن تیمیه به آن استدلال کرده چنین است: «لَا عَقْرَ فِي الْإِسْلَامِ».^۴ ابن تیمیه روایت را بر ذبح نزد قبر تفسیر کرده است.^۵ درحالی که چنین تفسیری از روایت مذکور صحیح نیست به جهت آنکه اولاً: عقر به معنای ذبح نیست، بلکه نوعی خاص و خشن از کشتن است که در حالت ایستاده، دست و پای حیوان با شمشیر قطع می‌شود.^۶ از آنجایی که این شیوه، بسیار خشن بوده و سبب آزار و اذیت حیوان می‌شود، پیامبر ﷺ از آن نهی فرموده‌اند.^۷

ثانیاً: این روایت مطلق است و تخصیص آن بر ذبح نزد قبرها بدون دلیل می‌باشد؛ به نظر می‌رسد چون مشرکان در کنار قبرها عقر می‌کردند^۸ ابن تیمیه روایت مذکور را به ذبح نزد قبر، مقید نموده است.^۹ این درحالی است که از یک سو، نه تنها بین عقر مشرکان و ذبح مسلمانان تفاوت ماهوی وجود دارد. (به سبب آنکه مشرکان عقیده داشته‌اند میت از گوشت آن حیوان استفاده می‌کند یا اینکه سواره محشور می‌شود؛^{۱۰} اما مسلمانان هرگز

۱. ابن تیمیه، احمد، جامع المسائل، ج ۴، ص ۱۵۲.

۲. «والصدقة عنه ويضحى عنه في البيت ولا يذبح عند القبر». (مجموع الفتاوى، ج ۲۶، ص ۳۰۶).

۳. دلیل دیگر ابن تیمیه، قیاس مسلمانان بر مشرکین است که در ادامه پاسخ داده می‌شود.

۴. ابوداود سجستانی، سلیمان، سنن ابی داود، ج ۳، ص ۲۱۶.

۵. ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط، ص ۳۸۱.

۶. جزری ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية في غريب الحديث و الأثر، ج ۳، ص ۲۷۱.

۷. جزری، ابن اثیر، النهاية في غريب الأثر، ج ۳، ص ۲۷۱.

۸. ابوداود سجستانی، سلیمان، سنن ابی داود، ج ۳، ص ۲۱۶.

۹. ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط، ص ۳۸۱.

۱۰. ازدی حمیدی، محمد بن ابی نصر، تفسیر غریب ما فی الصحیحین البخاری و مسلم، ج ۱، ص ۲۷۱؛ ابن امیرصنعانی،

محمد بن اسماعیل، سبل السلام، ج ۲، ص ۱۱۸.

چنین قصدی از ذبح ندارند، بلکه بین ذبح و عقر مشرکان نیز تفاوت وجود دارد؛ چراکه هدف مشرکان از ذبح، تقرب و عبادت بت‌ها بود؛^۱ اما هدفشان از عقر نه عبادت، بلکه بهرمندی میت از آن حیوان است. از سوی دیگر هیچ‌گاه سبب صدور نمی‌تواند عموم لفظ را تخصیص بزند و قاعده در این باب «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السبب»^۲ است؛ بنابراین سخن ابن تیمیه در این بخش نیز باطل بوده و منعی برای ذبح و صدقه از طرف میت وجود ندارد.

ثالثاً: این روایت از عقر نهی کرده است و نهایت چیزی که نهی بر آن دلالت دارد، حرمت است و بین حرمت یک فعل و شرک بودن آن تفاوت بسیاری وجود دارد.

دلیل دوم: قیاس مسلمانان بر مشرکان

قیاس مسلمانان بر مشرکان، یکی دیگر از ادله ابن تیمیه بر شرک خواندن مسلمانان است وی با ایجاد مشابهت رفتاری بین مسلمانان و مشرکان، حکم شرک مشرکان را بر مسلمانان جاری می‌سازد و در این باره می‌نویسد: «همان‌گونه که مشرکان با ذبح به غیرالله تقرب می‌جستند، مسلمانان نیز به واسطه ذبح برای اولیا تقرب می‌جویند».^۳ در جایی دیگر نیز بیان می‌کند: «وقتی بزرگی از مشرکان فوت می‌شد در کنار قبر او، شتر، گاو یا گوسفندی را ذبح می‌کردند و کارهای مسلمانان نیز این‌گونه است».^۴ از نظر ابن تیمیه همان‌گونه که مشرکان به واسطه ذبح عبادت غیر خدا را انجام می‌دادند و گرفتار شرک الوهی بودند، مسلمانان نیز با ذبح در کنار مراقد، عبادت غیرالله را انجام می‌دهند و گرفتار شرک الوهی هستند.

۱. کاشف الغطاء، جعفر، منهج الرشاد لمن أراد السداد، ص ۵۷.

۲. عسقلانی، ابن حجر، النکت علی کتاب ابن الصلاح، ج ۲، ص ۸۵۳.

۳. «قلو ذبح لغیر الله متقربا به إلیه لحرم وإن قال فیہ بسم الله کما یفعله طائفة من منافقی هذه الأمة الذین یتقربون إلی الأولیاء والکواکب بالذبح ... ومن هذا الباب ما قد یفعله الجاهلون بمکة - شرقها الله - وغیرها من الذبح للجن». (ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط، ص ۲۵۹).

۴. «أن أهل الجاهلیة كانوا إذا مات فیهم کبیر عَقَرُوا عند قبره ناقة أو بقرة أو شاة أو نحو ذلك، فنهی النبی - صَلَّی اللہُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ - عن ذلك ... لأنه يُشَبِّهُ الذِّبْحَ لِغَیْرِ اللّٰهِ. قال بعض العلماء: وفي معنى ذلك ما یفعله بعض الناس». (ابن تیمیه، احمد، جامع المسائل، ج ۴، ص ۱۵۱).

نقد دلیل دوم: عدم صحت قیاس مسلمانان بر مشرکین

ابن تیمیه در این کلام خود، عمل مسلمانان را به عنوان فرع بر مشرکان به عنوان اصل قیاس کرده است. درحالی که اولاً: صرف شباهت ظاهری برای قیاس کفایت نمی‌کند. ثانیاً: بین عمل مسلمانان و مشرکان، تفاوت ماهوی و اساسی وجود دارد. از این رو به توضیح این دو مسئله پرداخته می‌شود.

الف: عدم کفایت تشابه ظاهری برای قیاس

آن گونه که از سخنان ابن تیمیه به دست می‌آید، وی به صرف مشابهت ظاهری بین عملکرد مسلمانان و مشرکان، این دو را با هم قیاس کرده و حکم مشرک بودن مسلمانان را صادر نموده است. درحالی که مشابهت ظاهری هرگز دلالت ندارد که دو عمل درواقع نیز یکی باشند و اگر به صرف مشابهت ظاهری حکم هر دو را یکی بدانیم باید بسیاری از اعمال حج و... همگی شرک باشند؛ چراکه طواف و استلام حَجَر و... همگی شبیه عمل مشرکان است.^۱

ب: تفاوت ماهوی عملکرد مسلمانان با مشرکان

این پاسخ درحقیقت بیان می‌کند که ملاک و مناط در عملکرد مسلمانان با مشرکان متفاوت است به همین جهت قیاس مسلمانان بر مشرکان به هیچ عنوان صحیح نیست؛ بنابراین در ادامه، مواردی ذکر می‌شود که نشان می‌دهد بین عملکرد مسلمانان و مشرکان تفاوت ماهوی وجود دارد.

۱. مشرکان و پرستش بت‌ها و جنیان

مشرکان بر اساس نص صریح قرآن، بت‌ها و جنیان را می‌پرستیدند ﴿بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ﴾؛ بلکه اینان (مشرکان) جن را می‌پرستیدند و اکثرشان به جنیان ایمان داشتند.^۲ ابن تیمیه نیز معترف است که مشرکان، بت‌ها را می‌پرستیدند؛^۳ بنابراین مشرکان بت‌ها و جنیان را معبود خود می‌گرفتند و این بر خلاف مسلمانان است که خدا را

۱. سبحانی، جعفر، الوهابیه فی المیزان، ص ۱۴۸.

۲. سبا، ۴۱.

۳. «قصد بذبحه عبادة الوثن وتعظيمه». (ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط، ص ۲۵۷).

می‌پرستند و هرگز روی به پرستش اولیا نیاورده‌اند، بلکه اولیا را بنده‌ای از بندگان خوب خداوند می‌دانند و معتقدند اگر کسی بخواهد آنان را بپرستد یا حتی در مورد آنان غلو کند از دین خارج است و اگر ذبحی انجام می‌دهند، نیتشان عبادت خداوند است و بعد از آنکه حیوان را ذبح کردند گوشت آن را بین مردم تقسیم می‌کنند و از خداوند می‌خواهند ثواب این اطعام را در پرونده صالحین درج نماید؛^۱ بنابراین بین عمل مسلمانان و مشرکان تفاوت وجود دارد.

۲. مشرکان و بردن نام بت‌ها بر ذبیحه

تفاوت دیگری که بین مشرکان و مسلمانان در ذبح وجود دارد این است که مشرکان در هنگام ذبح نام بت‌ها را بر زبان جاری می‌کنند؛^۲ اما مسلمانان با اعتراف خود این تیمیه در هنگام ذبح، نام خداوند را بر زبان جاری می‌سازند^۳ و معتقدند اگر در هنگام بریدن سر حیوان نام غیر خداوند برده شود آن ذبح حرام می‌شود؛^۴ بنابراین بین ذبح مسلمانان و مشرکان تفاوت ماهوی وجود دارد و به صرف وجود برخی شباهت‌های ظاهری نمی‌توان حکم مشرکان را بر مسلمانان جاری کرد.

دلیل سوم: بهره‌برداری از برخی آیات

یکی دیگر از ادله ابن تیمیه بر شرک بودن ذبح لغیرالله، تمسک به برخی از آیات است از جمله آیه «وَمَا أَهْلٌ بِهِ لَغَيْرِ اللَّهِ»؛^۵ ابن تیمیه معتقد است آیه، شامل ذبح با نام غیر خدا و ذبح لغیرالله می‌شود.^۶ دلیل ابن تیمیه بر چنین تفسیری، فهم و تفسیر صحابه است.^۷ یکی

۱. قضاعی، سلامه، فرقان القرآن، ص ۱۳۳.

۲. ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۲۵۵.

۳. همان.

۴. جواد آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۸، ص ۶۳۳.

۵. بقره، ۱۷۳.

۶. «والکافرون یصنعون بالهتیم کذلک فتارة یمون آلہتم علی الذبائح وتارة یذبحونها قربانا إلیهم وتارة یجمعون بینہما وکل ذلک واللہ أعلم بذل فیما أہل لغیر اللہ بہ». (ابن تیمیه، احمد، دقائق التفسیر الجامع، ج ۲، ص ۱۳۲).

۷. «فہؤلاء الصحابة قد فسروا ما قصد بذبحه غیر اللہ داخلا فیما أہل بہ لغیر اللہ». (ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۲۶۰).

دیگر از آیات مورد استناد ابن تیمیه، آیه «وَمَا ذَبَحَ عَلَى النَّصَبِ»^۱ می‌باشد که در این رابطه می‌نویسد: هر چند در رابطه با این آیه دو قول وجود دارد: یکی اینکه علی به معنای خود باشد یعنی بر روی نصب ذبح صورت گیرد. دیگر آنکه علی به معنای لام باشد یعنی ذبح برای تقرب به نصب باشد؛ اما هر دو قول به یک معنا بازگشت دارد.^۲ وی این نظریه خود را به تفسیر تابعین گره می‌زند.^۳ ابن تیمیه بعد از اینکه آیات مذکور را بر ذبح لغیرالله و ذبح با نام غیر خدا تطبیق می‌کند بیان می‌دارد که چنین ذبح‌هایی از دین انبیا نیست و شرک هستند.^۴

نقد دلیل سوم: عدم دلالت آیات ذکرشده بر شرک

سخن ابن تیمیه در بهره‌برداری از این آیات نه تنها مغالطه بلکه تحمیل فهم بر آیات است به جهت آنکه خداوند در این آیات در مقام بیان حکم فقهی است و ظاهر آیات به خوبی این مدعا را ثابت می‌نمایند؛ به عنوان نمونه در آیه اول می‌فرماید: «اگر در هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن برده شود، استفاده از آن حرام است و بعد در ادامه آیه، این حکم حرمت را استثنا زده و می‌فرماید اگر مضطر شدید استفاده از ما اهل لغیرالله گناهی ندارد». این استثنا به خوبی نشان می‌دهد که مراد خداوند متعال بیان حکم فقهی است.

آیه دوم نیز در مقام بیان حکم فقهی است و درحقیقت بیان استثنای موجود در دو آیه قبل است. خداوند در دو آیه قبل فرمود تمام دام‌ها حلال است مگر آنهایی که بیان می‌کنیم^۵ و در این آیه، موارد استثنا را ذکر می‌کند. یکی از آن موارد ذبح بر نصب یا ذبح برای نصب است. به بیانی دیگر، تفاوتی ندارد که آیه بر ظاهر خود باقی باشد یا اینکه ذبح لغیرالله را دربرگیرد، بلکه آنچه آیه در پی بیان آن هست، بیان حرمت و حکم فقهی این موارد است که هیچ ارتباطی با شرک بودن یا نبودن ذبح لغیرالله ندارد. افزون بر اینکه

۱. مانده، ۳.

۲. ابن تیمیه، احمد، دقائق التفسیر الجامع، ج ۲، ص ۱۳۵-۱۳۴.

۳. «تقاسیر التابعین علی أن ما ذبح علی النصب هو ما ذبح لغیر الله»، (ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۲۶۰).

۴. ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۲۵۶.

۵. «أُجِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ». (مانده، ۱).

بسیاری از مفسرین از جمله ابن عباس،^۱ طبری،^۲ طبرانی^۳ و... آیات را به حکم فقهی تفسیر کرده‌اند.

درحالی که ابن تیمیه بر خلاف ظاهر آیه و بر خلاف مبانی ظاهرگرایانه خود و کلام سلف، آیه را به گونه‌ای دیگر معنا و درحقیقت فهم خود را بر آیه تحمیل کرده است؛ بنابراین آیاتی که ابن تیمیه برای شرک دانستن ذبح لغیرالله از آن بهره برده، هیچ دلالتی بر شرک ندارند.

نتیجه‌گیری

از مطالب بیان شده، روشن گردید ابن تیمیه مسلمانان را به سبب ذبح در کنار مراقد اولیا، تکفیر و آنها را از جرگه مسلمانی خارج کرده است. اولین و محکم‌ترین دلیل وی، یک قیاس منطقی است که بر اساس آن هر ذبحی را عبادت می‌پنداشت و از سوی دیگر ذبایح مسلمانان را مصداق ذبح لغیرالله و عبادت غیر خدا معرفی کرد. بطلان این دلیل به خوبی روشن شد؛ چراکه مقدمه اول افزون بر اینکه موارد نقضی داشت با مبانی ابن تیمیه در بحث عبادت نیز مخالف بود. همچنین ثابت شد مسلمانان به هیچ عنوان اولیا را اله خود نمی‌دانند و هدفشان از ذبح تقرب به اولیا نیست، بلکه همه مسلمانان عقیده دارند اگر کسی با ذبح بخواهد عبادت اولیا را انجام دهد از دین خارج است. در رد مقدمه دوم نیز بیان شد که قصد، یک امر درونی است و ظاهر افعال و گفتار نمی‌تواند آنرا آشکار سازد. از سوی دیگر نیز بیان شد که لام در «ذبحت» لام انتفاع است و این سخن مسلمانان از هر جهت با سخنان صحابه تطابق داشت و آیات قرآن نیز نشان داد که لام برای انتفاع است. دلیل دیگری که ابن تیمیه برای متهم کردن مسلمانان به شرک از آن بهره گرفته بود، قیاس مسلمانان بر مشرکان است. این قیاس وی نیز به سبب تفاوت جوهری عمل مسلمانان با مشرکان صحیح نیست و ثابت شد، صرف مشابهت ظاهری برای جاری کردن

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۲۸۳.

۲. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ج ۲، ص ۵۰؛ ج ۶، ص ۴۴.

۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۲۸۵؛ ج ۲، ص ۳۴۶.

حکم مشرکان بر مسلمانان کفایت نمی‌کند، بلکه باید مناط و ملاک عملکرد هر دو یکی باشد. آخرین دلیل ابن تیمیه بر مشرک جلوه دادن مسلمانان، بهره‌گیری از برخی آیات چون ﴿مَا أَهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ﴾ و ﴿مَا ذَبَحَ عَلَى النَّصَبِ﴾ بود؛ استدلال ابن تیمیه بر این آیات نیز مخدوش بود و آیات مذکور دلالتی بر مدعای ابن تیمیه نداشتند و سخن وی در بهره‌برداری از آیات، تحمیل فهم بر آیه بود. بر این اساس هیچ یک از ادله ابن تیمیه مدعای وی را اثبات نکرد و بطلان دیدگاه او در شرک دانستن ذبح لغیرالله آشکار شد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن، **تفسير القرآن العظيم**، تحقيق: اسعد محمد طيب، رياض: انتشارات مكتبة نزار مصطفى الباز، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.
۳. ابن امير صنعاني، محمد بن اسماعيل، **سبل السلام شرح بلوغ المرام من أدلة الأحكام**، تحقيق: محمد عبد العزيز الخولي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ چهارم، ۱۳۷۹ق.
۴. ابن عبد الوهاب، سليمان، **الصواعق الالهية في الرد على الوهابية**، تحقيق: السراوي، بيروت: دار ذوالفقار، چاپ اول، ۱۹۹۸م.
۵. ابن تيميه، احمد، **دقائق التفسير الجامع**، تحقيق: محمد السيد الجليلند، دمشق: مؤسسة علوم القرآن، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن تيميه، احمد، **اقتضاء الصراط المستقيم مخالفة أصحاب الجحيم**، تحقيق: محمد حامد الفقي، قاهره: مطبعة السنة المحمدية، چاپ دوم، ۱۳۶۹ق.
۷. ابن تيميه، احمد، **التحفة العراقية في الأعمال القلبية، المطبعة السلفية**، قاهره: بی نا، چاپ دوم، ۱۳۹۹ق.
۸. ابن تيميه، احمد، **أمراض القلب وشفائها، المطبعة السلفية**، قاهره: بی نا، چاپ دوم، ۱۳۹۹ق.
۹. ابن تيميه، احمد، **جامع المسائل**، تحقيق: محمد عزيز شمس، مكه: دار عالم الفوائد للنشر والتوزيع، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۱۰. ابن تيميه، احمد، **مجموع الفتاوى**، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، مدينه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۱۶ق.
۱۱. ابن فارس، احمد، **معجم مقائيس اللغة**، قم: دفتر تبليغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۲. ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدين، محمد بن مكرم، **لسان العرب**، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع- دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۳. ازدی حمیدی، محمد بن أبي نصر، **تفسير غريب ما في الصحيحين البخاري ومسلم**، تحقيق: زبيدة محمد سعيد، قاهره: مكتبة السنة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۱۴. بخاری، محمد بن اسماعيل، **الجامع الصحيح المختصر**، تحقيق: مصطفى ديب البغا، بيروت: دار ابن كثير، چاپ دوم، ۱۴۰۷ق.
۱۵. بن عثيمين، محمد بن صالح، **فتاوى أركان الإسلام**، تحقيق: فهد بن ناصر السليمان، رياض: دار الثريا للنشر والتوزيع، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۱۶. بن عثيمين، محمد بن صالح، **مجموع فتاوى ورسائل**، تحقيق: فهد بن ناصر السليمان، بی جا:

- دار الوطن - دارالثريا، چاپ آخر، ۱۴۱۳ق.
۱۷. تمیمی، ابوالفداء اسماعیل بن محمد، **المنح الإلهية في طمس الضلالة الوهابية**، تحقیق: احمد الطویل، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۸. جزری ابن اثیر، مبارک بن محمد، **النهاية في غريب الحديث و الأثر**، تحقیق: طاهر أحمد الزاوی، بیروت: المكتبة العلمية، ۱۳۹۹ق.
۱۹. جوادى آملی، عبدالله، **تسنیم**، تحقیق: حسن واعظی محمدی، قم: اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۲۰. سبحانی، جعفر، **الوهابية فی المیزان**، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ پنجم، ۱۴۳۷ق.
۲۱. شیبانی، احمد، **مسند أحمد بن حنبل**، تحقیق: شعيب الأرنؤوط و دیگران، بی جا: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۲۲. طبرانی، سلیمان بن احمد، **التفسير الكبير**، انتشارات دار الكتاب الثقافی، اردن: چاپ اول، ۲۰۰۸م.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: انتشارات دار المعرفة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۴. عسقلانی، ابن حجر، **النکت علی کتاب ابن الصلاح**، تحقیق: ربیع بن هادی عمیر المدخلی، مدینه: عمادة البحث العلمي بالجامعة الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۲۶. قاضی زاده، حسین، «ارکان و مقومات مفهوم عبادت»، **سراج منیر ۱۴**، قم: دارالاعلام، تابستان ۱۳۹۳ش.
۲۷. قضاعی، سلامه، **فرقان القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۸. کاشف الغطاء، جعفر، **منهج الرشاد لمن أراد السداد**، قم: موسسه دائرة المعارف فقه الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۲۶ق.
۲۹. نسائی، احمد بن شعیب، **السنن الكبرى**، تحقیق: سلیمان البنداری، بیروت: دارالکتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۳۰. نووی، یحیی بن شرف، **روضة الطالبین وعمدة المفتین**، تحقیق: زهیر الشاویش، بیروت: المكتب الإسلامي، چاپ سوم، ۱۴۱۲ق.
۳۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج، **صحیح مسلم**، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۳۲. واسطی، زبیدی، حنفی، **محّب الدین، تاج العروس من جواهر القاموس**، تحقیق: سید محمد مرتضی حسینی، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.